

خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل

محسن عبداللهی*

چکیده

خسارات تنبیهی خساراتی هستند که دارای ماهیت ترمیمی نبوده و برای تنبیه و جلوگیری از رفتار قابل سرزنش خوانده مورد حکم قرار می‌گیرند. خاستگاه اصلی این خسارات حقوق کامن‌لا می‌باشد. محاکم دولتهای پیرو این نظام حقوقی مطابق حکم مجلس اعیان انگلیس پرداخت این دسته خسارات را محدود به موارد معینی کرده‌اند که غالباً رعایت می‌شود در حالی که در دو کشور استرالیا و ایالات متحده امریکا محدودیتهای مورد نظر مجلس اعیان مورد توجه قرار نگرفته و حتی در مورد کشور اخیر حکم به پرداخت این خسارات به دعاوی مطروحه علیه دولتهای خارجی نیز سرایت کرده است. رویه مذکور مسأله مشروعیت خسارات تنبیهی را در حقوق بین‌الملل مطرح می‌سازد. مطالعه قواعد حاکم بر مسؤولیت دولتها در حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی نشان‌دهنده این واقعیت است که با وجود شباهت این نوع خسارات با مصادیق جلب رضایت

* دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

در حقوق مسؤولیت مدنی، اصولاً مجوزی برای حکم به پرداخت این گونه خسارات در حقوق بین الملل وجود نداشته و رویه محاکم ایالات متحده در حکم به پرداخت خسارتهای تنبیهی علیه دولتهای خارجی از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران فاقد هر نوع جایگاه حقوقی است و در آینده مسؤولیت بین المللی آن دولت را بوجود خواهد آورد.

مقدمه

«خسارت تنبیهی»^۱ از جمله مفاهیم حقوقی است که خاستگاه تاریخی آن به نظام کامن‌لا باز می‌گردد. این مفهوم عملاً از سال ۱۳۷۸ با تصویب «قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی» (مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۸) و اصلاحیه سال ۱۳۷۹^۲ آن به نظام حقوقی ایران نیز به طور محدود سرایت کرده است.

این قانون - که به محاکم دادگستری ایران به طور متقابل اجازه صدور «خسارات تنبیهی» را می‌دهد - در پاسخ به اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت حکام خارجی^۳ ایالات متحده آمریکا و احکام متعاقب آن تصویب شده است. توضیح آن که کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون مصونیت آن کشور به طور نامشروعی اقدام به تأسیس صلاحیت فراسرزمینی محاکم فدرال جهت رسیدگی به شبه جرمهایی نمود که در خارج از سرزمین آمریکا علیه اتباع آن کشور رخ داده و می‌دهد، درحالی که مطابق حقوق مصونیت دولتها در حقوق بین‌الملل صلاحیت محاکم داخلی دولتها برای رسیدگی به شبه جرمها محدود به شبه جرمهای سرزمینی است.^۴ محاکم آمریکا با تصویب این اصلاحیه تا کنون با صدور بیش از پانزده رأی^۵ بالغ بر ۴ میلیارد دلار علیه دولت جمهوری اسلامی

1. Punitive Damages.

۲. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال ۵۶، شماره ۱۶۲۸۴، شماره ۳۵۹۹۳.

3. Foreign Sovereign Immunity Act (FSIA).

۴. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: عبداللهی، محسن، شافع، میرشهبیز، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، ناشر: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲؛ همچنین عبداللهی، محسن، «امریکا و اجرای اموال بلوکه جمهوری اسلامی ایران»، اطلاع‌رسانی حقوقی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال اول، شماره ۳، دی ماه ۱۳۸۱، صص ۴۸ - ۳۸.

۵. برای دیدن آرای مذکور به سایت اینترنتی مقابل رجوع شود. <http://www.dcd.uscourts.gov>.

ایران و برخی از ارکان آن «خسارت ترمیمی»^۶ و تنبیهی صادر کرده‌اند. جالب آن که ۹۰ درصد از رقم فوق را خسارات تنبیهی تشکیل می‌دهد. برای بررسی مفهوم «خسارات تنبیهی» باید دو مطلب مورد مطالعه قرار گیرد: اول شناخت این مفهوم حقوقی با عنایت به خاستگاه تاریخی آن یعنی نظام کامن‌لا و دوم ارزیابی مشروعیت صدور چنین خساراتی توسط مراجع قضایی ملی و بین‌المللی در حقوق بین‌الملل. هدف از نوشتار این مقاله بررسی بیشتر مشروعیت صدور چنین خساراتی از نقطه نظر حقوق بین‌الملل می‌باشد. برای این منظور ابتدا مفهوم خسارات تنبیهی در نظام کامن‌لا با تأکید بر نظام حقوقی دو کشور انگلستان و ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به مشروعیت خسارت تنبیهی در حقوق بین‌الملل می‌پردازیم.

الف. خسارات تنبیهی در نظام کامن‌لا (حقوق عرفی)

کشور انگلستان خاستگاه تاریخی نظام حقوقی کامن‌لا است. بدین جهت ابتدا مفهوم «خسارت تنبیهی» را در این نظام و سپس در ایالات متحده و دیگر کشورهای پیرو نظام حقوقی مذکور بررسی خواهیم کرد. با این حال قبل از بررسی ذکر این نکته ضروری است که اگرچه با تصویب قانون «صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» در سال ۱۳۷۸ و رویه قضایی متعاقب آن، مفهوم خسارات تنبیهی عملاً وارد نظام حقوقی ایران شده است، ولی واقعیت آن است که این مفهوم در حقوق ایران کاملاً بی‌سابقه است و قضات ایرانی همواره بر تناسب میان خسارت حکم شده با صدمات وارده تأکید کرده‌اند. به هر حال تأکید قانون مذکور و آیین‌نامه اجرایی آن بر

6. Compensatory Damages.

«متقابل» بودن امکان صدور خسارتهای تنبیهی، نشان دهنده این واقعیت است که دولت جمهوری اسلامی ایران قائل به مشروعیت صدور خسارتهای تنبیهی نبوده و نظام حقوقی ایران پذیرای اصولی چنین مفهومی نمی باشد. بند سوم اصلاحی قانون مذکور بر چنین برداشتی صحه می گذارد:

«۳- با توجه به اصل عمل متقابل، میزان در تقویم خسارات مادی و معنوی زیاندیدگان و در صورت لزوم خسارات تنبیهی، احکام مشابه صادره از دادگاههای خارجی خواهد بود».

۱- خسارات تنبیهی در حقوق انگلستان

این مفهوم در کشور انگلستان به طور سنتی وجود داشته و بدون آن که تحت قواعد و اصول معینی باشد، توسط محاکم انگلیسی مورد حکم قرار می گرفته است.^۷ با این حال در این کشور برخلاف ایالات متحده، اصطلاح «خسارتهای ترهیبی»^۸ بر اصطلاح «خسارتهای تنبیهی» ترجیح داده شده است.^۹

بنابر اتفاق نظر علمای حقوق انگلستان خسارت ترهیبی در مفهوم مدرن آن به قضیه Rookes v. Barnard در سال ۱۹۶۴ باز می گردد^{۱۰} که

7. Rogers W.V.H., The Law of Tort, Fundamental Principles of Law, Sweet & Maxwell, London 1989, p. 206.

8. Exemplary Damages.

این خسارت را از آن جهت «ترهیبی» ترجمه نمودیم که باعث ارعاب و تنبیه مرتکب و دیگران می شود.

9. Rogers W.V.H., Winfield & Jolowicz on Tort, tenth ed., Sweet & Maxwell, London 1975, p. 555, Footnote No. 19.

10. For the Summary of Award see Lloyd M.G., Cracknoll's Law Student's Companion, Torts, Butterworths, London 1974, Case No. 667, p. 135.

طی آن مجلس اعیان انگلستان (به خصوص لرد دولین)^{۱۱} به تدوین و تبیین اصول و قواعد حاکم بر این نوع خسارات پرداخت.

در آن قضیه به نظر مجلس اعیان «صدور احکام حاوی خسارتهای ترهیبی به سه مورد ذیل محدود می‌شود:

(۱) جایی که خواهان قربانی خودرأیی یا رفتار غیرعادلانه مأمور دولتی برخلاف حقوق اساسی شده باشد.

(۲) جایی که خواننده از ارتکاب شبه جرم منتفع شده باشد به نحوی که با محاسبه سود و زیان احتمالی مسؤولیت مدنی ناشی از ارتکاب شبه جرم، مرتکب آن شده باشد.

(۳) جایی که قانون صدور خسارتهای ترهیبی را اجازه داده باشد»^{۱۲}.

طی تفسیر این حکم که در قضایای بعدی نیز مورد تصدیق قرار گرفته،^{۱۳} مجلس اعیان از تسری حکم مندرج در بند اول به «اعمال مستبدانه، غیرعادلانه و خلاف حقوق اساسی اشخاص عادی و شرکتهای خصوصی» خودداری کرده است.^{۱۴} به عبارت دیگر محاکم انگلستان با استناد به بند اول حکم مذکور، تنها در مواردی می‌توانند اقدام به صدور احکام ترهیبی نمایند که مرتکب شبه‌جرم کارگزار حکومت باشد.

بند دوم نیز که بیشتر در حقوق رسانه‌های گروهی امکان اعمال می‌یابد، در رویه قضایی انگلستان مسبوق به سابقه است.^{۱۵}

11. Lord Devlin.

12. Rookes v. Barnard, [1964] 1 All E.R. 367 (House of Lords), Cited in Harry Street, The Law of Torts, fifth ed., Butterworths, London 1972, pp. 438-439.

13. Manson v. Associated Newspapers, Ltd., [1965] 2 All E.R. 954 & Broome v. Cassell & Co. Ltd., [1972] 1 All E.R. 801, Cited in Liroyd, op.cit., pp. 23 & 103.

14. Hepple & Matthews, Tort, Cases & Materials, Butterworths, London 1974, p. 403; Rookes v. Barnard, op.cit., p. 1226.

15. Manson v. Associated Newspapers, Ltd., op.cit., & see also Rogers [1975], op.cit., pp.555-556.

با توجه به حکم مجلس اعیان در قضیه Barnard – که از انتقاد نیز مصون نمانده است –^{۱۶} و رویه قضایی پس از آن، دکترین حقوقی در کشور انگلستان مفهوم «خسارتهای تریبی»^{۱۷}، اهداف و نحوه محاسبه آنها را به شرح ذیل تبیین کرده است. پروفسور راجرز در تبیین این مفهوم نوشته است:

«در هر قضیه‌ای که صدمات گسترده بوده و دقیقاً به خسارتهای پولی قابل محاسبه و تقویم نیست، دادگاه ممکن است در محاسبه خسارتهای انگیزه و رفتار خوانده را مد نظر قرار داده و برحسب صدمات وارده، میزان جبران خسارت را افزایش دهد... [با این حال] خسارات تریبی، ترمیمی نبوده و به منظور تنبیه خوانده و جلوگیری از ارتکاب رفتار مشابه در آینده صادر می‌شوند».^{۱۷}

آقای جان فلمینگ یکی از نویسندگان حقوق مسؤلیت مدنی انگلستان در مقام تعریف «خسارات تریبی» مبنای این خسارات را سوء رفتار مرتکب شبه جرم می‌داند. به نظر وی نوشیدن شراب هنگام رانندگی و عدم پذیرش مسؤلیت پرداخت بیمه توسط بیمه‌گذار از مصادیق بارز این سوء رفتار عمدی می‌باشند.^{۱۸}

ناگفته نماند که بعضی از این حقوقدانان حکم مجلس اعیان انگلستان در قضیه Barnard را به منزله ممنوعیت صدور احکام متضمن خسارات تریبی یا تنبیهی تلقی کرده‌اند،^{۱۹} و عده‌ای دیگر جزو منتقدان سرسخت

16. Munkman John, Damages for Personal Injuries & Death, fifth ed., Butterworths, London 1973, pp. 41-42, Footnote No. 2.

17. Rogers [1975], op.cit., p. 555.

18. Fleming John G., An Introduction to the Law of Torts, Oxford, Clarendon Press, 1985, p. 131.

19. Ibidem, Footnote No. 39.

این خسارات هستند. محور اصلی این انتقادات اختلاطی است که با صدور احکام ترهیبی و تنبیهی در حقوق مسؤولیت مدنی بین وظایف حقوق مدنی و حقوق جزا بوجود می‌آید. بیان هپل در این باره چنین است:

«من هنوز هم فکر می‌کنم که مفهوم خسارت تنبیهی مفهومی عجیب و غریب است، زیرا بین وظیفه حقوق مدنی که همان جبران خسارت از زیان‌دیده است، و اشتغال حقوق جزا که جلوگیری از ارتکاب جرم و مجازات مجرمین است، اختلاط ایجاد می‌کند... پذیرش این مفهوم در حقوق انگلستان منتهی به سوء استفاده‌های جدی شده است که باید از آنها جلوگیری کنیم... با این حال ناگزیر از شناسایی خسارات تنبیهی هستیم، چرا که بعضی از قضایا، عرفی را بوجود آورده است که به قضات حق صدور حکم به خساراتی که از دید ترمیمی قابل توجیه نیست را می‌دهد...»^{۲۰}

این در حالی است که:

«... امکان مجازات و تنبیه کردن در دعاوی مدنی بدون اعطای تضمیناتی است که علی‌الاصول در دعاوی کیفری برای متهم وجود دارد.»^{۲۱}

به عبارت دیگر، تداخل بین وظایف حقوق مدنی و حقوق جزا منجر به تضییع حقوق دادرسی شخصی خواهد شد که در یک دعاوی مدنی مجازات کیفری می‌شود، بدون این که از تضمینات دادرسی پیش‌بینی شده در رسیدگی‌های کیفری برخوردار باشد.

20. Hepple & Matthews, op.cit., p. 402.

21. Rogers [1975], op.cit., p. 558.

از دیگر انتقادات جدی وارد بر «خسارات تریبی» مبهم و نامعین بودن میزان آنهاست؛ توضیح آن که ارباب هر شخص - به عنوان هدف اصلی این نوع خسارات - بسته به شرایط و اوضاع و احوال خاص اجتماعی و اقتصادی وی متغیر است و لذا برای قاضی به میزان قابل توجهی آزادی و اختیار عمل برای تعیین مبالغ خسارت تنبیهی در نظر گرفته می‌شود. با این حال به نظر راجرز:

«حتی جایی که مبنای قابل توجهی برای صدور خسارات تریبی وجود دارد نیز دادگاه دارای آزادی عمل مطلق نیست. بویژه احکام می‌بایست معتدل باشند... در محاسبه این نوع از خسارات می‌بایست رفتار خواننده و خواهان توأمان مورد توجه قرار گیرد... و خصوصاً به این نکته توجه شود که تعیین چه میزان خسارت برای تنبیه خواننده کفایت خواهد کرد».^{۲۲}

برای نشان دادن میزان سوء استفاده از این آزادی عمل کافی است که از دیدگاه تطبیقی به گوشه‌ای از یافته‌های آماری کار تحقیقاتی که در ایالات کالیفرنیا در سال ۱۹۹۶ انجام شده، اشاره شود:

«در قضایای مطروحه طی سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۰ هیچ تناسبی میان احکام حاوی خسارت تنبیهی و احکام غرامتی وجود ندارد. عدم تناسب مذکور این نتیجه‌گیری را تقویت می‌کند که خسارات تنبیهی خودسرانه و زیاد از حد بوده‌اند؛ متوسط مبلغ این خسارت تقریباً ۷۱۰ برابر بیشتر از خسارت ترمیمی است».^{۲۳}

22. Ibid., pp. 558-559.

23. Punitive Damages in California, A Preliminary Report, By the Pacific Research Institute for Public Policy, Downloaded from: <http://www.Pacificresearch.Org/issues/legal/punitive.html>, p. 3.

حتی در قضیه‌ای که خواهان موفق به کسب حکم جبران خسارت عادی از دادگاه نشده، دادگاه به مبلغ ۶۲۰۰۰ دلار خسارت تنبیهی صادر کرده است که در نوع خود حیرت‌انگیز است.^{۲۴}

نتیجه آن که اگرچه امکان صدور احکام تنبیهی (و یا تریبی) در کشور انگلستان به کلی از میان نرفته است، ولی با عنایت به ضوابط مندرج در رویه قضایی آن کشور - که شرح آن رفت - بسیار محدود شده، و حتی به نظر عدّه‌ای از علمای حقوق در آن کشور «منسوخ» شده است. با این حال این مفهوم در دیگر کشورهای پیرو حقوق انگلستان (کامن‌لا) بویژه ایالات متحده امریکا هنوز مورد توجه است.

۲- خسارات تنبیهی در ایالات متحده امریکا

در ایالات متحده، اگرچه ادعا شده «خسارات تنبیهی از ۲۰۰ سال پیش تاکنون مورد حکم دادگاههای ایالات متحده قرار گرفته»^{۲۵} ولی در رویه مدرن آن کشور، قضیه *Gertz v. Robert Welch, Inc.* مبنای صدور چنین خساراتی شناخته می‌شود.^{۲۶} در این قضیه دیوان عالی امریکا مفهوم خسارات تنبیهی را این گونه تبیین نموده است:

«خسارات تنبیهی دارای ماهیت ترمیمی نمی‌باشند. در مقابل، آنها، جریمه‌های خصوصی^{۲۷} هستند که هیأت منصفه دادگاههای مدنی به

24. *Chung v. Dailey*, San Francisco County Case, 923450, in 1992, *Ibidem*.

25. *Gertz v. Robert Welch, Inc.*, [418 U.S. 323, 396], Justice White, Dissenting Opinion, Part IV. (B), Downloaded from: <http://case Law. / p. find Law. Com/ scripts/ get case. Pl? Court = us & vol - 418 & invol = 323>, p. 32.

26. Terry A. Anderson, et al. v. Iran, et al., United State District Court for the District of Columbia, 23 March 2000, C.A. no. 99 - 0698 (TPJ), Downloaded from: <http://www. dcd. Uscourts. gov/ district - court. html, part v, p. 13>.

27. Private Fines.

منظور تنبیه (یا مجازات) رفتار قابل سرزنش خواننده و جلوگیری از تکرار آن رفتار در آینده توسط خواننده و دیگران مقرر می‌کند...^{۲۸} به طور کلی دست هیأت منصفه در برآورد خسارتهای تنبیهی به مبلغ نامعینی، باز است. در محاسبه این خسارات هیچ ضرورتی مبنی بر تناسب داشتن خسارات تنبیهی با خسارات واقعی وارد شده، وجود ندارد.^{۲۹}

در قضیه ایزنفلد نیز خسارات تنبیهی این‌گونه تعریف شده است: «خسارات تنبیهی به منظور تنبیه (مجازات) خواننده‌ای که مرتکب عمل بسیار زنده‌ای شده و برای جلوگیری از تکرار عمل مشابه آن در آینده، صادر می‌شوند».^{۳۰}

این تعریف که با اندک تغییر جزئی از مجموعه دومین تفاسیر قوانین ایالات متحده استخراج شده^{۳۱} عیناً در قضیه فلاتو نیز منعکس شده است.^{۳۲}

همچنین، در قضیه اندرسون دلایل و اهداف خسارتهای تنبیهی به وضوح چنین بیان شده است:

28. Gertez v. Robert Welch, Inc., [418 U.S. 323/351], op.cit., p. 11.

29. Ibidem.

30. Leonard I. Eisenfeld, et al. v. the Islamic Republic of Iran, et al., United States District Court for the District Court of Columbia, civ. no. 98 – 1945 (RCL) 2000, Downloaded from: <http://www.dcd.uscourts.gov/district.court.html>, p. 11.

31. Second Restatement of U.S.C., Torts, 1977, § 908 (1).

32. Stephen M. Flatow v. the Islamic Republic of Iran, et al., 11 March 1998, U.S. District Court, Downloaded from: <http://diana.law.yale.edu/diana/db/4298-3.html>, p. 41.

«هدف از خسارتهای تنبیهی، آنگونه که از نام آنها نیز هویداست، تنبیه (مجازات) رفتار متخلفانه به منظور جلوگیری از تکرار آن توسط مرتکب و اشخاص دیگری است که در آینده مرتکب چنین رفتاری شوند».^{۳۳}

با مقایسه دیدگاه امریکایی با دیدگاه موجود در انگلستان می‌توان به این نتیجه رسید که حداقل تعریف و اهداف مورد نظر از خسارت‌های تنبیهی از خاستگاه‌های مشترکی برآمده و وظایف یکسانی از آنها در هر دو کشور انتظار می‌رود. با این همه دو تفاوت بین آنها شایان توجه است: اول این که؛ در ایالات متحده برخلاف انگلستان از اصطلاح «خسارتهای ترهیبی» استقبال به عمل نیامده و در متون قانونی رسمی^{۳۴} و به تبع آن در رویه قضایی^{۳۵} از اصطلاح «خسارتهای تنبیهی» استفاده شده است و دوم آن که؛ محدودیتهای تحمیل شده بر احکام متضمن خسارتهای تنبیهی در انگلستان، در ایالات متحده پذیرفته نشده است.

در ایالات متحده «خسارتهای تنبیهی بر مبنای ساختارهای سنتی کامن‌لا که همان سوءنیت عمدی خوانده در معنای بدخواهی یا تقلب یا بی‌احتیاطی است... صرفنظر از نتایج حاصله، استوار هستند. برای دریافت این نوع از خسارات خواهان مکلف است به شکلی قابل قبول، سوء نیت، متعدیانه و عمدی بودن رفتار... خوانده را اثبات کند».^{۳۶}

33. Anderson v. Iran, op.cit., Part v, p. 13.

34. FSIA, § 1606.

35. Gertz v. Robert Welch, Inc., op.cit., see also Flatow, Anderson and Eisenfeld Cases.

36. Lawson H.W., Insurance Company Bad Faith – Hawaii, Downloaded from: http://www.aloha.com/Lawson/bad_faith.html.

بنابراین محاکم ایالات متحده در صورت درخواست خواهانهای دعوی در دعاوی مدنی و در صورت اثبات این که خوانده در وارد ساختن خسارت به خواهان دارای قصد متقلبانه،^{۳۷} سوء نیت، نقشه قبلی (توطئه)^{۳۸} بوده و یا بی احتیاطی کرده که قابل اغماض نیست،^{۳۹} در کنار صدور خسارت‌های ترمیمی، حسب مورد به منظور تنبیه خوانده به خسارت‌های تنبیهی حکم می‌دهند، بی آن که مانند محاکم انگلستان ناگزیر از رعایت محدودیت‌های ناشی از رویه قضایی مجلس اعیان باشند.

جالب آن که دیوان عالی کشور استرالیا - به عنوان یکی از کشورهای مشترک المنافع (کامن ولث) - نیز در قضیه Uren v. John Fair fax & sons Pty. Ltd در سال ۱۹۶۸ از پذیرش محدودیت‌های مورد نظر مجلس اعیان در قضیه Barnard خودداری کرد.^{۴۰} بنابراین دو کشور آمریکا و استرالیا را می‌بایست از کشورهای متعصب در صدور احکام تنبیهی نامحدود در دعاوی مدنی دانست. در حالی که در کشورهای دیگر از

37. Riverts v. Estate of Barbagallo 366 pa, super, 559m 531 A, 2d 1125 (1987) Downloaded from: <http://icsc.org/Law/Cases/6bcas886.html>.

قضیه بدین قرار بود که کارگزار مشاور املاکی که فروش ملکی به آن واگذار شده بود، پس از اطلاع از آخرین آیین‌نامه شهرداری با تدلیس و تقلب، فروشنده و خریدار را فریب داده و قرارداد فروشی را تنظیم کرده بود که دادگاه در حکم نهایی خویش خریدار را بین فسخ معامله و گرفتن خسارت ترمیمی و تنبیهی مخیر گذاشت و ایشان گزینه اول را برگزید.

۳۸. دادگاه کلمبیا در قضیه فلاتو «حمایت از فعالیتهای تروریستی را ذاتاً عملی توطئه آمیز برای ارتکاب حمله‌های تروریستی» دانست که با نقشه و طراحی قبلی همراه است:

Flatow v. Iran, op.cit., p. 33.

۳۹. یک نمونه از این بی‌احتیاطی غیرقابل اغماض، مربوط به نشت اورانیوم از یک شرکت تأمین کننده سوخت در شهر پترزبورگ می‌شود که در سال ۱۹۹۸ حداقل ۲۰۰ شکایت متضمن خسارات تنبیهی را علیه شرکت به بار آورد که شرکت قبل از صدور حکم از طرف دادگاه برای گریز از مبالغ شگفت‌انگیزی از خسارات تنبیهی با خواهانهای دعوی به توافق رسید. برای منبع نک.

Combs Casy, "Uranium Fuel Processor to Pay Punitive Damages", 23 September 1998, Downloaded from: <http://www.post-gazette.com/regionstate/19980923apollo5.asp>.

40. Hodging R.W. & Veitch E., "Punitive Damages-Reassessed", International & Comparative Law Quarterly, vol. 21, part I, 1972, p. 123.

قبیل اوگاندا،^{۴۱} کانادا،^{۴۲} نیوزیلند^{۴۳} که همگی از پیروان نظام کامن لا هستند رویه قضایی مجلس اعیان در انگلستان رعایت می‌شود.^{۴۴}

نکته دیگری که در خصوص خسارات تنبیهی در داخل ایالات متحده قابل توجه است تشتت آراء موجود بین ایالات مختلف در پذیرش خساراتهای تنبیهی است. برای مثال در بعضی از ایالات مثل واشنگتن به طور کلی صدور خسارات تنبیهی ممنوع اعلام شده و در بعضی دیگر با پذیرش آنها، میزان این خسارات محدود شده است. به هر حال در بین ایالات، کالیفرنیا در صدور احکام تنبیهی از بالاترین جایگاه برخوردار است.^{۴۵} همچنین، آنچه آمارهای ناقص موجود^{۴۶} در این زمینه نشان می‌دهند، افزایش شگفت‌آور میزان مبالغ این خسارات در محاکم ایالتی است. برای مثال میزان خسارات تنبیهی که تقریباً در یک دهه (۱۹۸۴-۱۹۹۴) در محاکم ایالات صادر شده‌اند بیش از سه میلیارد دلار برآورد شده،^{۴۷} که علت این رشد، رشد اقتصادی بوجود آمده در جامعه امریکا اعلام شده است. در حالی که نتایج یک مطالعه علمی نشان می‌دهد که «رشد خسارات تنبیهی از رشد تولیدات بخش‌های اقتصادی کمتر بوده است».^{۴۸}

به هر حال در کنار طرفداران خسارت‌های تنبیهی در ایالات متحده منتقدانی نیز وجود دارند که یا اصولاً مخالف حکم به این خسارات هستند و

41. Ibid., pp. 121 - 123.

42. Ibid., pp. 124 - 126.

43. Ibid., pp. 126 - 127.

44. Ibid., See Generally.

45. Punitive Damages in California, 1996, op.cit., p. 1.

46. Ibidem.

47. Punitive Damages in California, A Preliminary Report, op.cit., p. 1.

48. Ibid., p. 2.

یا این که نظرات انتقاد آمیزی در خصوص نحوه محاسبه و میزان خسارت
تنبیهی دارند:

«... خسارات تنبیهی خارج از کنترل بوده و به نحو گسترده‌ای
محدودیت ناپذیر می‌باشند چرا که به طور فزاینده‌ای در بسیاری از قضایا
با خسارات ترمیمی تناسب نداشته و ندارند...»^{۴۹} از این رو وضع ضوابط و
محدودیت‌های جدیدی برای صدور احکام تنبیهی مسلماً ضروری
است.^{۵۰}

همچنین رأی دیوان عالی امریکا مبنی بر این که «... به طور کلی
دست هیأت منصفه در برآورد خسارت‌های تنبیهی به طور نامعینی، باز است»
در همان قضیه به شدت مورد مخالفت قاضی وایت قرار گرفته است:
«همچنین به نظر می‌رسد که این عبارت از رأی دیوان «که به طور
کلی دست هیأت منصفه در برآورد خسارت‌های تنبیهی به طور نامعینی
باز است» قابل تردید است، چرا که نظریه‌ای خلاف رویه تثبیت شده در
ایالات متحده است، و با توجه به قدرت نامحدود هیأت منصفه برای
تعیین میزان خسارات، دادگاه‌های تالی و تجدید نظر نگران این مهم
خواهند بود که آیا تصمیم هیأت منصفه مبتنی بر ملاحظات مستدل،
مستند و اعمال صحیح قانون است... به علاوه تعدادی از محاکم وجود
ارتباط معقول بین خسارات ترمیمی و خسارات تنبیهی را لازم
دانسته‌اند...»

49. Ibid., p. 1.

50. Hayward Steven and Loughman William, The Role of Punitive Damages in Civil Litigation: New evidence from lawsuit failings, March 1996, Downloaded from: <http://www.Pacificresearch.org/pub/sab/interep/punitive1/punitive2.html>, p. 7.

[خلاصه آن که] ترس من از آن است که آنهایی که آرای محاکم ما را می‌خوانند آنها را نارسا ببینند، چرا که محاکم ما بدون دلیل سروصدا بر پا خواهند کرد.^{۵۱}

همین خطر مورد توجه یکی دیگر از علمای شهیر حقوق ایالات متحده قرار گرفته است:

«خطر تصمیمات افراطی [هیأت‌های منصفه] به طور قطع خطری جدی است و ضابطه‌ای که قضات در قبول یا رد مبالغ مورد تصمیم هیأت منصفه می‌بایست اعمال کنند به نحو جاه طلبانه‌ای مبهم و موضوعی است. با این وجود این تصمیمات ممکن است در اثر اعتراض خواننده دو بار مورد بازبینی قضایی قرار گیرند: یک مرتبه برای تجدید نظر و مرتبه دوم برای اعاده دادرسی و از این رو احتمال بسیار نادری وجود دارد که حکم غیرقابل توجیه از این بازبینی مصون بماند.»^{۵۲}

ارزش علمی مباحث پیش گفته، در صلاحیت دولتها در پیش بینی یا عدم پیش بینی خسارتهای تنبیهی در مجموعه قوانین آنها نیست، بلکه در شناخت مفهوم حقوقی این نوع خسارتهای و علل و اهداف آن از سویی و میزان اقبال عمومی به آنها در نظام حقوقی حاکم بر کشور پیش‌بینی‌کننده خسارتهای تنبیهی از سوی دیگر و یا اقبال آنان در میان دیگر کشورها و نظام‌های حقوقی جهان است، چرا که صلاحیت تعیین نوع و میزان واکنش‌های حقوقی هر سیستم حقوقی در چارچوب مرزهای سرزمینی که

51. Gertez v. Robert Welch, Inc., [418 U.S. 323, 396] op.cit., Justice White Dissenting Opinion, part IV (B), p. 32.

52. McCormick C., Law of Damages, 1935, p. 431, Cited in Gertez v. Robert Welch, Inc., [418 U.S. 323, 396], op.cit., p. 32.

آن سیستم در آن اعمال می‌شود به همان نظام حقوقی واگذار شده است. بنابراین تا جایی که اجازه صدور خسارتهای تنبیهی مربوط به نظام حقوقی داخلی می‌شود، و بنابر صلاحیت دولتها در تصویب قوانین داخلی که یکی از نتایج اصل حاکمیت دولتها در حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید،^{۵۳} معتبر و قابل شناسایی است. ولی صدور خسارت تنبیهی توسط محاکم داخلی ایالات متحده علیه یک دولت خارجی هم بنابر صلاحیت استثنایی پیش‌بینی شده در قانون مصونیت حکام خارجی و هم به دلیل صلاحیت فراسرزمینی پیش‌بینی شده در اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مذکور تأمل برانگیز است. به عبارت دیگر، از آنجایی که صلاحیت قضایی محاکم داخلی دولتها برای رسیدگی به اعمال تصدی دولتهای خارجی که اصولاً دارای مصونیت هستند به موجب حقوق بین‌الملل برقرار و پذیرفته شده است، صلاحیت آن محاکم برای صدور نوع غرامت و میزان آن نیز می‌بایست به موجب حقوق بین‌الملل باشد. به دیگر سخن، مسأله این است که آیا دادگاه داخلی که به شبه جرم دولت خارجی در چارچوب استثنائات اصل مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل رسیدگی می‌کند، می‌تواند خساراتی بیش از آنچه که یک دیوان بین‌المللی — که دولتها با رضایت صلاحیت آن را پذیرفته‌اند و با استناد به حقوق بین‌الملل علیه دولت مقصر حکم صادر می‌کند — حکم نماید؟ پاسخ به این مسأله مستلزم روشن شدن جایگاه و پذیرش «خسارت تنبیهی» در عرصه حقوق بین‌الملل و مسؤولیت دولتها است که در قسمت بعدی مورد بررسی قرار گرفته است.

53. Brownlie Ian, Principles of Public International Law, Oxford 1998, p. 289.

ب. خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل

با عنایت به مطالب پیش گفته در بررسی مفهوم خسارات تنبیهی، حداقل با توجه به رویه قضایی موجود در ایالات متحده آمریکا،^{۵۴} می‌توان چنین اظهار داشت:

«خسارات تنبیهی دارای ماهیت ترمیمی نبوده... و [صرفاً] برای تنبیه [مجازات] رفتار قابل سرزنش خوانده و ارباب او توسط هیأت منصفه مورد حکم قرار می‌گیرند».^{۵۵}

این نکته نیز قابل ذکر است که علاوه بر هدف مذکور - خصوصاً در دیدگاه انگلیسی^{۵۶} و بعضاً در دیدگاه امریکایی^{۵۷} - این نوع خسارات در مواقع ورود ضرر و زیان عظیم و غیرقابل تقویم نیز مورد حکم واقع می‌شوند که در این حالت خسارات تنبیهی را می‌توانیم مترادف با خسارات غیرمادی^{۵۸} و خسارات مشدد^{۵۹} بدانیم. درست بدین جهت است که در اندک نوشته‌های حقوقی موجود در این زمینه، بحث با لزوم جبران خسارات کامل آغاز شده است.^{۶۰} با این حال اگر بخواهیم برای بررسی جایگاه خسارات تنبیهی در میان خسارات قابل حکم توسط مراجع حل اختلافات بین‌المللی، مواد طرح سابق مسؤولیت دولت در کمیسیون حقوق بین‌الملل (۱۹۹۶) را که در حقیقت تدوین حقوق عرفی در زمینه مسؤولیت بین‌المللی

54. Gertez v. Robert Welch, Inc., [48 U.S. 323, 351] op.cit., p. 11; Anderson v. Iran, op.cit., p. 13 & Eisenfeld v. Iran, op.cit., p. 11.

55. Gertez Case, in Ibidem.

56. Rogers [1975], op.cit., pp. 555 - 556.

57. Combs, op.cit.

58. Non- Pecuniary Damages.

59. Aggravated Damages.

60. Jorgenson Nina H.B., "A Reappraisal of Punitive Damages in International Law", B.Y.I.L., Vol. 68, 1997, p. 247.

دولت است، به عنوان مبنا بپذیریم، ماده ۴۵ آن طرح با عنوان «جلب رضایت»^{۶۱} مدخل مناسبی به شمار می‌آید، هر چند که ماده ۴۶ آن نیز قابل توجه است.^{۶۲} به موجب ماده ۴۵:

«۱- دولت متضرر در صورتی که اوضاع و احوال، جبران خسارت کامل را ایجاب کند، حق دارد برای خسارات وارده و بویژه برای خسارتهای اخلاقی که از عمل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر وارد آمده از دولت مرتکب درخواست جلب رضایت نماید.

۲- جلب رضایت ممکن است به صورت یک یا چند مورد از موارد ذیل باشد:

الف- معذرت خواهی؛

ب- خسارات نمادین؛^{۶۳}

ج- در صورت نقض فاحش حقوق دولت متضرر، حکم به خساراتی که منعکس کننده شدت ضرر باشد؛

د- ...».

جلب رضایت که یکی از اهداف آن «اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از ارتکاب مجدد فعل زیانبار است»،^{۶۴} عبارت است از:

61. Satisfaction.

۶۲. ماده ۴۶ طرح با عنوان «قول و تضمین برای عدم تکرار» دقیقاً همان هدفی را دنبال می‌کند که از خسارات تنبیهی در دیدگاه امریکایی انتظار می‌رود. به هر حال نباید فراموش کرد که مقررات این ماده، مبتنی بر تحصیل چنین تضمینی از دولت مسؤول در حقوق بین‌الملل است، در حالی که در احکام متضمن خسارات تنبیهی فرض بر این است که این تضمین، با تنبیه و ارباب دولت خوانده حاصل می‌شود. به موجب این ماده: «دولت متضرر در جایی که مناسب باشد، حق دارد از دولت مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی قول و تضمیناتی برای عدم ارتکاب تحصیل کند».

63. Nominal Damages.

64. Brownlie, *State Responsibility and Law of Nations*, vol. I, Oxford 1981, pp. 208 - 209.

❖ ۱۰۳ خسارات تنبیهی در ...

«آن دسته اقداماتی که مرتکب فعل زیانبار افزون بر جبران خسارت، به استناد حقوق بین‌الملل عرفی یا به موجب موافقتنامه منعقدۀ میان طرفین اختلاف، برای جلب رضایت دولت متضرر موظف به اتخاذ آنهاست».^{۶۵}

همان‌طور که ملاحظه می‌شود «جلب رضایت»، ماهیت ترمیمی نداشته و دارای خصوصیت «تکمیلی» است و یا بنا بر تفسیر رسمی کمیسیون حقوق بین‌الملل از ماده ۴۵ مذکور «عموماً شامل خسارات غیرمادی دولت متضرر می‌شود»،^{۶۶} همچنین به نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل:

«خسارات منعکس‌کننده شدت ضرر که در بند ج قسمت دوم [ماده ۴۵] مندرج است، دارای ماهیت استثنایی است. میزان این نوع خسارات بیش از ضرر و زیان واقعی است و هنگامی به دولت زیان‌دیده پرداخت می‌شوند که فعل زیانبار، عمدی، ظالمانه، متقلبانه و با سوء نیت انجام شده باشد...^{۶۷} در کامن‌لا این دسته از خسارات به خسارات تریبی معروفند...^{۶۸} اگر چه به طور کلی تمامی روش‌های جبران خسارات - خواه ترمیمی و خواه تنبیهی - کم و بیش مستقیماً برای ممانعت از ارتکاب عمل متخلفانه مفید می‌باشند، ولی خسارات «منعکس‌کننده شدت ضرر و زیان» به طور اخص دارای چنین وظیفه‌ی پیشگیرانه‌ای هستند».^{۶۹}

65. Ibidem.

66. Y.I.L.C. 1993, vol. II, part Two, Commentary of Article 10 (45), pp. 76-77.

67. Ibid., p. 79.

68. Ibid., Footnote No. 308, p. 79.

69. Ibid., Commentary of Article 46, p. 81.

چنانکه از تفاسیر فوق فهمیده می‌شود «خسارات منعکس کننده شدت ضرر و زیان» دارای قرابت بسیاری با «خسارتهای تنبیهی یا ترهیبی» است. با این حال کمیته طراح این ماده به علت فقدان اصطلاح معادل در دیگر زبانها هرگز از اصطلاح «خسارتهای ترهیبی» استفاده نکرد.^{۷۰} بنابراین، وضعیت با استناد به طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل و تفاسیر آن به راحتی قابل توضیح قطعی نیست. با این حال به نظر مخبر ویژه کمیسیون در آن دوره یعنی آقای گارسیا آمادور^{۷۱} در سال ۱۹۵۶:

«هدف از جبران خسارت ضرورتاً برگرداندن وضع به حالت سابق و اعطای غرامت برای خسارتهای مادی نیست. جبران خسارت علاوه بر ترمیم می‌بایست دارای کارکرد تنبیهی نیز باشد. در پاره‌ای از قضایا، بعضی از اقدامات می‌بایست واجد خصیصه جزایی در نظر گرفته شوند و مرتکب آن مسؤولیت بیشتری داشته باشد».^{۷۲}

آقای آمادور که نظرش مورد مخالفت شدیدی قرار گرفته بود^{۷۳} بعدها از نظر خویش عدول کرد و گزارشگران بعدی یعنی آقایان آگو^{۷۴} و ریپهاخن^{۷۵} نیز هرگز از این ایده دفاع نکردند.^{۷۶} بنابراین پرواضح است که با استناد به تفاسیر کمیسیون از ماده ۴۵ و کارهای مقدماتی انجام شده برای

70. Y.I.L.C. 1992, para. 57, p. 221.

71. Garcia Amador.

72. Y.I.L.C. 1956, vol. 2., p. 220.

۷۳. برای مثال پروفیسور وایتمن (Whiteman) در توضیح خویش به کمیسیون چنین نوشت که «...وظیفه دولتها و کمیسیون حقوق بین‌الملل است که تصمیم بگیرند آیا حقوق مسؤولیت دولت و خسارتهای پیش‌بینی شده در آن شامل خسارات تنبیهی می‌شود یا خیر؟»

Jorgenson, op.cit., p. 263.

74. Roberto Ago.

75. Riphagen.

76. Jorgenson, op.cit., p. 263.

طرح و نگارش این ماده نمی‌توان وضعیت خسارات تنبیهی را در حقوق بین‌الملل تعیین و ارزیابی نمود. از این رو ناگزیر از بررسی دقیق رویه قضایی و دکترین موجود در این خصوص هستیم.

قبل از هر چیز ذکر این نکته ضروری است که این نوع از خسارت چه در عبارت انگلیسی و چه در عبارت امریکایی آن در هیچ کنوانسیون بین‌المللی سابقه ندارد، و نیز فاقد پشتیبانی قراردادی است و عمده موافقتنامه‌های داوری موجود نیز در این زمینه یا ساکتند و یا از اعطای صلاحیت برای صدور احکام تنبیهی به محاکم داوری امتناع کرده‌اند.^{۷۷} بنابراین در اینجا سعی بر آن است که رویه قضایی بین‌المللی موجود و دکترین برای شناسایی قاعده عرفی در این خصوص بررسی شود.

رویه قضایی بین‌المللی

قضیه موک در قرن نوزدهم،^{۷۸} یکی از قدیمی‌ترین قضایایی است که با ماهیت تنبیهی صادر شده است. در این قضیه دیوان داوری رسیدگی کننده ضمن محکوم کردن رویه مکزیکی در اخذ وام با تهدید نظامی چنین حکم کرد:

«اگر حکم به پرداخت خسارات بیشتری برای اعلام پایمال شدن حقوق افراد ضروری باشد ما بدون تردید حکم به لزوم پرداخت آن خواهیم کرد».^{۷۹}

77. Moke Case (U.S. v. Mexico) reprinted in: Moore J.B., History & Digest of the International Arbitrations to which the United States Has Been a Party (1989), vol. 4, p. 3411, p. 248.

78. Ibid., p. 249.

79. Ibidem;

در این قضیه دیوان داوری، دولت مکزیکی را به پرداخت ۴۰۰ دلار به موک تبعه ایالات متحده محکوم نمود.

اگرچه حکم مندرج در این قضیه در هیچ رأی دیگری به عنوان سابقه قضایی خسارات تنبیهی پذیرفته نشد،^{۸۰} ولی در قضیه I'm Alone - که در آن کشتی کانادایی مظنون به حمل مشروبات الکلی با آتش کشتی‌های گارد ساحلی ایالات متحده منهدم و غرق گردید - عملاً مورد حکم واقع شد، بی آن که دیوان رسیدگی کننده صراحتاً نامی از خسارتهای تنبیهی بیاورد.^{۸۱}

در این قضیه ایالات متحده علاوه بر عذرخواهی رسمی از دولت کانادا، مکلف به پرداخت بیست و پنج هزار دلار خسارت به عنوان «تاوان مادی»^{۸۲} شد.^{۸۳} به هر حال اگرچه به نظر می‌رسد که مبلغ مذکور در قبال خسارات ناشی از غرق کشتی و محموله باشد، ولی واقعیت آن است که خسارات مذکور اولاً بیش از خسارات وارده به کشتی بود و ثانیاً به منظور جبران خسارتهای ناشی از توهین به شأن و منزلت دولت کانادا صادر گردید.^{۸۴} بنابراین باید نتیجه گرفت که خسارت مذکور دارای ماهیت غیرترمیمی بوده و بیشتر جنبه نمادین داشته است. البته لازم به یادآوری است که ماهیت غیرترمیمی الزاماً به معنی تنبیهی بودن نیست.

قضیه دیگر در این خصوص، قضیه Rainbow Warrior است که در سال ۱۹۸۵ بین دولت نیوزیلند و فرانسه رخ داد. در این قضیه نیروهای امنیتی فرانسه، کشتی استیجاری سازمان غیردولتی صلح سبز را که به منظور اعتراض به آزمایشهای اتمی فرانسه در آبهای اقیانوس آرام، وارد بندر اوکلند شده بود، غرق کردند که در مقابل دولت نیوزیلند درخواست

80. Eagleton C., "Measure of Damages in International Law", Yale Law Journal, vol. 39, 1929-1930, p. 62.

81. Brownlie, State Responsibility... , op.cit., pp. 208-209.

82. Material Amend.

83. Seidele Peter, "The I'm Alone", E.P.I.L. 1981, vol. 2, pp. 133-134.

84. Jorgenson, op.cit., p. 249.

عذرخواهی رسمی و پرداخت ده میلیون دلار امریکایی خسارت نمود. دولت فرانسه مسئولیت خویش را پذیرفت، ولی راجع به میزان خسارت بین دو کشور اختلاف به وجود آمد، چرا که میزان خسارت مالی درخواست شده، به مراتب بیشتر از ارزش کشتی غرق شده و محموله آن بود. در نهایت موضوع برای حل اختلاف به دبیرکل وقت ملل متحد ارجاع شد و او نیز فرانسه را مکلف به پرداخت هفت میلیون دلار امریکایی به نیوزیلند دانست.^{۸۵}

درخواست خسارت تنبیهی به دیوان بین‌المللی دادگستری نیز کشیده شده است. در قضیه کانال کورفو دولت انگلستان که سعی کرده بود عمل آلبانی در مین‌گذاری کانال کورفو و عدم اطلاع رسانی به کشتیهای خارجی عبور کننده از کانال را در سازمان ملل متحد و دیوان یک جرم بین‌المللی معرفی کند، و از دیوان درخواست حکم به خسارتهای تنبیهی نمود^{۸۶} که مورد اعتنای دیوان واقع نشد:

«این ترک فعل شدید، مسئولیت بین‌المللی آلبانی را به همراه دارد. بنابراین دیوان به این نتیجه می‌رسد که دولت آلبانی طبق حقوق بین‌الملل برای انفجار بوجود آمده، ... و خسارتهای جانی و مالی ناشی از آن مسؤول است. از این رو دولت آلبانی موظف به پرداخت غرامت به بریتانیای کبیر است».^{۸۷}

85. International Legal Materials: I.L.M. 1987, vol. 26, p. 1346.

86. Corfu Channel Case, I.C.J. Pleading, Oral Arguments, Documents 1949, UK Memorial, p. 19, at 40.

87. I.C.J. Reports 1949, p. 23.

چنانکه ملاحظه می‌شود دیوان، آلبانی را صرفاً مکلف به پرداخت «غرامت» که دارای ماهیت ترمیمی می‌باشد، دانسته و از این رو به نحو ضمنی اعتنایی به درخواست خسارات تنبیهی نکرده است.

جدای از سطح بین‌المللی، «خسارات تنبیهی» در مراجع رسیدگی منطقه‌ای نیز مورد توجه واقع شده است. در قاره امریکا دادگاه امریکایی حقوق بشر در قضیه Velasquez Rodriguez در سال ۱۹۸۹ با وجود درخواست صریح کمیسیون امریکایی حقوق بشر برای صدور حکم خسارات تنبیهی، از صدور حکم به این خسارات علیه دولت هندوراس امتناع کرد. استدلال دادگاه این بود که چنین خساراتی حداقل در زمان صدور رأی (۱۹۸۹) در حقوق بین‌الملل قابل اعمال نیست.^{۸۸}

دیدگاه دادگاه امریکایی حقوق بشر بعدها توسط کمیسیون دعاوی شیلی - ایالات متحده نیز مورد تبعیت قرار گرفت. این کمیسیون دو جانبه که به منظور حل و فصل اختلاف بوجود آمده در خصوص رأی دادگاه ایالات متحده در قضیه لوتولیه تأسیس شده بود، مسؤولیت دولت شیلی برای پرداخت خساراتی بیش از خسارات ترمیمی (خسارات تنبیهی) به خانواده و بازماندگان لوتولیه و همراهش را پذیرفت.

نظریه جداگانه کمیسیونر اورگو ویکونا^{۸۹} در این خصوص بسیار صریح است:

«... حقوق بین‌الملل مفهوم خسارات تنبیهی را به عنوان یکی از اصول خود نپذیرفته است... بدین جهت در صورت صدور حکم به خسارات تنبیهی چنین حکمی کلاً فاقد وجاهت حقوقی و برخلاف اصول حقوق بین‌الملل خواهد بود».^{۹۰}

88. International Law Reports, I.L.R., vol. 95, p. 313.

89. Commissioner Orrego Vicuna.

90. I.L.R., 1992, vol. 88, p. 741.

نتیجه تحقیقی که در رابطه با رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص خسارت تنبیهی به عمل آمده نیز گویای این مطلب است که: «دادگاه اروپایی حقوق بشر مبالغ هنگفتی از خسارات را برای جبران ضررهای غیرمادی حکم نموده است... با این حال به سختی می‌توان آنها را به عنوان الگویی برای مقاصد تنبیهی در نظر گرفت».^{۹۱}

با وجود نتایج مذکور ایگلتن سکوت موجود در داوری و رویه قضایی بین‌المللی را به معنی عدم امکان صدور خسارات تنبیهی توسط مراجع مذکور ندانسته است:

«اگرچه درست است که تاکنون دیوانهای داوری معدودی صراحتاً حکم به پرداخت خسارت تنبیهی نموده‌اند ولی باید این واقعیت نیز در نظر گرفته شود که از طرفی هیچ کدام از آنها حق صدور خسارات تنبیهی را به موجب حقوق بین‌الملل انکار نکرده‌اند و از طرف دیگر در مواردی که آنها صراحتاً صدور خساراتی از این نوع را نپذیرفته‌اند، دلایل امتناع آنها دلایلی غیر از غیرقانونی بودن آن، بوده است...^{۹۲} به نحوی که در بسیاری از تصمیمات این دیوانها علت عدم صدور حکم تنبیهی، فقدان صلاحیت دیوان داوری بواسطه مقررات مندرج در موافقتنامه حکمیت ذکر شده است».^{۹۳}

یکی از بهترین مثالهای موجود در این زمینه قضیه مشهور لوزیتانیا^{۹۴} است که در آن دیوان علت امتناع خویش را چنین اظهار کرده است:

91. Jorgenson, op.cit., p. 257.

92. UN Reports of International Arbitration Awards, vol. 10, No. 20, pp. 61-62.

93. Jorgenson, op.cit., p. 249.

94. Lusitania Case, Annual Digest 1923 – 1924, vol. 2, p. 209, Reprinted in: Ibid., pp. 249-250.

«استفاده از اصطلاحات «تنبیهی»، «ترهیبی» یا «عبرت آموز» به عنوان صفت «خسارات» نادرست است، چرا که مفهوم بنیادین «خسارات» جلب رضایت و غرامت برای زیانهای وارده است و به عبارت بهتر تعیین غرامت برای یک عمل متخلفانه است... [به هر حال] این دیوان طبق معاهده برلین که در حقیقت منشور تأسیس دیوان می باشد، فاقد صلاحیت برای صدور خسارات تنبیهی است».^{۹۵}

جدای از رویه قضایی بین المللی، پذیرش مفهوم خسارات تنبیهی در تعدادی از کشورهای پیرو نظام حقوقی کامن لا از قبیل استرالیا، امریکا، انگلستان، کانادا، نیوزیلند، اوگاندا، مالزی، سنگاپور، هند، هلند، سنگال،^{۹۶} این مسأله را طرح می کند که آیا خسارات تنبیهی از جمله مصادیق اصول کلی حقوقی که توسط ملل متمدن به رسمیت شناخته شده، نمی باشد؟ در پاسخ به چنین سؤالی آقای یورگنسن چنین اظهار داشته:

« [با آن که پاره ای از کشورها که عمدتاً تابع یک نظام حقوقی هستند مفهوم خسارات تنبیهی را پذیرفته و عملاً وارد نظام قضایی خویش کرده اند ولی] به نظر نمی رسد که نظریه خسارات تنبیهی به عنوان یکی از اصول کلی حقوق قابل استناد در روابط میان کشورها، در نظر گرفته شود».^{۹۷}

95. Reprinted in: Jorgenson, op.cit., pp. 249-250.

96. Jorgenson, op.cit., pp. 257-259.

97. Ibid., p. 259.

دکترین

دکترین نیز در این زمینه بسیار پراکنده است. از سویی اوپنهایم،^{۹۸} شوارزنبورگر،^{۹۹} یورگنسن،^{۱۰۰} وایتچ^{۱۰۱} و کرافورد^{۱۰۲} قائل به عدم ورود این نوع از خسارات به منابع حقوق بین الملل هستند و از سوی دیگر اساتیدی همچون لوترپاخت،^{۱۰۳} جنینگز،^{۱۰۴} بریگز^{۱۰۵} و براونلی^{۱۰۶} چنین خساراتی را در موارد ارتکاب جنایات بین المللی از جانب دولتها، قابل قبول می دانند. بنابراین با استناد به دکترین به سختی می توان به نتیجه ای روشن در این خصوص رسید.^{۱۰۷} به هر حال این نکته قابل توجه است که با وجود پراکندگی دکترین و نظریات علمای بزرگی همچون لوترپاخت، جنینگز و براونلی، از سویی مفهوم «خسارت تنبیهی» دارای آنچنان اقبال جهانی نیست که بتواند وصف «اصول کلی حقوقی» را در میان منابع حقوق بین الملل به دست آورد، و از طرف دیگر رویه قضایی ناچیز موجود در این خصوص حداقل بر این نکته تأکید دارد که حکم به «خسارت تنبیهی علیه

98. Oppenheim, International Law, 4th edn., 1928, § 156, reprinted in: Jorgenson, op.cit., p. 261.

99. Schwarzenberger G., International Law as Applied by International Courts & Tribunals, vol. I, 3th edn., 1957, p. 673, reprinted in: Ibidem.

100. Ibid., p. 266.

101. Wittich S., "Punitive Damages in the Law of State Responsibility", Austrian Review of International & European Law, 1998, vol. 3, p. 31.

102. See I.L.C. Doc. A/ CN. 4/507/ Add 1. p. 40.

103. See Jorgenson, op.cit., p. 261.

104. Ibidem.

105. Briggs, The Law of Nation, Documents & Notes, 2th edn., 1953, p. 754, reprinted in: Ibid., p. 262.

106. Brownlie, International Law & the Use of Force by States, 1963, p. 148.

۱۰۷. با این حال نظر اخیر پروفیسور کرافورد که در پایان این بند به تفصیل راجع به آن سخن خواهیم گفت، بسیار قطعی و تعیین کننده است، چرا که به عنوان مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل گزارش وی مورد تصویب کمیسیون قرار گرفته است.

دولتها قابل صدور نیست».^{۱۰۸} همچنین، این واقعیت که علت امتناع دیوانهای داوری از صدور خسارت تنبیهی علیه دولتها، عمدتاً فقدان صلاحیت آنها در موافقتنامه‌های حکمیت بوده،^{۱۰۹} نه تنها دلیل مثبتی برای ورود خسارتهای تنبیهی به دایره حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود، بلکه خود دلیل شکل‌گیری عرف منفی در آیین حل اختلافات بین‌المللی است. به این معنی که اعتقاد حقوقی^{۱۱۰} دولتهای طرف اختلافات بین‌المللی که در موافقتنامه‌های رجوع به حکمیت منعکس شده، مبتنی بر عدم پذیرش مفهوم خسارات تنبیهی است.

در پایان و قبل از نتیجه‌گیری نهایی لازم است به آخرین دستاورد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در این خصوص نیز توجه شود. پس از تصویب طرح ۵۳ ماده‌ای مسؤلیت دولت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۶، کمیسیون تصمیم گرفت که با عنایت به تحولات بوجود آمده از سالهای آغازین شروع به کار کمیسیون در رابطه با طرح مسؤلیت دولت که تقریباً نیم قرن به طول انجامید، اقدام به بازخوانی نهایی طرح نماید و برای این منظور آقای پروفیسور کرافورد به عنوان مخبر ویژه کمیسیون منصوب شد. در سومین گزارش وی که در سال ۲۰۰۰ به کمیسیون عرضه شد،^{۱۱۱} به موضوع «جلب رضایت» به عنوان یکی از طرق جبران خسارت و در میان روش‌های جلب رضایت، به خسارتهای تنبیهی اشاره شده است. در این گزارش مخبر ویژه با بررسی جمیع فعالیتهای کمیسیون حقوق بین‌الملل در سالهای گذشته، رویه قضایی بین‌المللی و دکتترین به این نتیجه رسیده است:

108. Jorgenson, op.cit., p. 249.

109. Ibidem.

110. *opinio juris*.

111. A/CN. 4/507/ Add 1, op.cit.

«در قضایای مربوط به مسئولیت دولت، با عنایت به فقدان سیستم خاصی برای وضع خسارات تنبیهی هیچ مجوز و توجیهی برای صدور حکم به این خسارات وجود ندارد».^{۱۱۲}

مخبر ویژه با این استدلال، بدون آن که به امکان صدور حکم به خسارات غیرمادی که بعضاً دارای ماهیت غیرترمیمی هستند، خدشه وارد کند ادامه می‌دهد:

«بند ج قسمت دوم ماده ۴۵ شامل خسارتهایی که در بعضی از نظامهای حقوقی با عنوان خسارتهای «مشدد» یا «فوق‌العاده»^{۱۱۳} شناخته می‌شوند، نمی‌شود...^{۱۱۴} از این رو می‌توان این بند را حذف نمود...^{۱۱۵} به هر حال حتی در مواردی غیر از «نقض‌های شدید» ضرورت اقتضا می‌کند که شدت عمل متخلفانه شناسایی و اعلام شود در حالی که این موارد «نقض شدید»، محسوب نمی‌شوند».^{۱۱۶}

بدین جهت بود که مخبر ویژه در پیش نویس پیشنهادی خود بند ج از پاراگراف دوم ماده ۴۵^{۱۱۷} را حذف نمود و عملاً امکان صدور خسارات تنبیهی را علیه دولت مسؤل در چارچوب طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت محدود کرد.

112. Ibid., p. 40.

113. Y.I.L.C., Report on the Work of Its Fifty – Second (1 May – 9 June & 10 July – 18 August 2000), para. 158, p. 52.

114. Ibid., para. 214, p. 67.

115. Ibid., para. 213, p. 67.

116. Ibid., para. 214, p. 67.

۱۱۷. در پیش‌نویس طرح پیشنهاد کرافورد مفاد اصلاح شده ماده ۴۵، در ماده ۳۸ پیش‌بینی شده بود.

به هر حال تأکید کرافورد بر این مسأله که «در بعضی از وضعیت‌ها ضرورت اقتضا می‌کند که شدت عمل متخلفانه شناسایی شود» این تردید را بوجود آورد که امکان صدور خسارتهای تنبیهی همچنان در چارچوب طرح مسؤولیت دولت وجود دارد. به ویژه آن‌که وی در بند یک ماده ۴۲ پیش‌نویس طرح خود در ذکر «آثار نقض شدید تعهدات بین‌المللی» امکان صدور «غراماتی که منعکس‌کننده شدت نقض باشد» را نیز پیش‌بینی کرده بود.

به عبارت دیگر مخبر ویژه با تفکیک بین نقض‌های عادی و «شدید» تعهدات بین‌المللی قائل به مشروعیت صدور «خسارات منعکس‌کننده شدت ضرر» (تنبیهی) در مورد نقض‌های شدید شده بود که مورد اقبال کمیسیون واقع نشد، چرا که کمیسیون در قرائت نهایی طرح در سال ۲۰۰۱ با حذف کامل بند یک ماده ۴۲ پیشنهادی آقای کرافورد، خسارت‌های تنبیهی را حتی در مورد «نقض‌های شدید» تعهدات آمره بین‌المللی نیز نپذیرفت. بنابراین باید نتیجه گرفت که کمیسیون حقوق بین‌الملل عملاً نظریه امکان صدور خسارات تنبیهی را رد نموده است. بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۷ طرح نهایی و تفاسیر کمیسیون از این بند نیز مؤید این برداشت می‌باشد. به موجب این بندها:

«۲- جلب رضایت ممکن است شامل تصدیق نقض، اظهار تأسف،

عذرخواهی رسمی یا دیگر روش‌های ممکن متناسب، باشد.

۳- جلب رضایت باید متناسب با ضرر بوده و نباید به شکلی باعث

خواری و وهن دولت مسؤول شود».

کمیسیون در تفسیر این دو بند چنین اظهار داشته:

«... درخواست جلب رضایت نه می‌تواند دارای ماهیت تنبیهی باشد و نه شامل خسارتهای تنبیهی می‌شود. بند ۳ ماده ۳۷ با وضع دو ضابطه محدودیت‌هایی را برای تکلیف به جلب رضایت پیش‌بینی کرده است: اول آن که جلب رضایت باید متناسب با ضرر باشد و دوم آن که جلب رضایت نباید باعث خواری و وهن دولت مسؤل شود».^{۱۱۸}

بنابراین باید پذیرفت که با حذف آگاهانه و علمی امکان صدور خسارت‌های تنبیهی در چارچوب طرح مسؤولیت دولت دیگر تردیدی در عدم مشروعیت این خسارات در حقوق بین‌الملل باقی نمانده است. شاید به همین علت بوده که مقنن ایرانی اجازه صدور حکم محکومیت یک دولت خارجی به خسارات تنبیهی در «قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی» را بدون هرگونه استناد به حقوق بین‌الملل و صرفاً «به طور متقابل» برای مقابله با اعمال متخلفانه بین‌المللی دولتهای خارجی از جمله دولت ایالات متحده به قضات ایرانی داده است.

نتیجه‌گیری

در جمع بندی نهایی با توجه به بررسی‌های انجام شده و عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱- خاستگاه اصلی مفهوم خسارت تنبیهی نظام کامن‌لا است. در این نظام حکم به خسارت تنبیهی کارکرد ترمیمی نداشته و بیشتر در آن دسته از دعاوی مدنی حکم می‌شود که خوانده با سوءنیت، قصد و نقشه قبلی و با محاسبه سود و زیان احتمالی شبه جرم، از ارتکاب آن منتفع شده است.

118. Y.I.L.C. 2001, Commentary of Art. 37, p. 268.

۲- در میان دولت‌های پیرو نظام کامن‌لا مطابق حکم مجلس اعیان انگلستان امکان صدور خسارت‌های تنبیهی در بریتانیا و دیگر کشورهای کامن‌ولث محدود به موارد معینی شده است که غالباً رعایت می‌شود، در حالی که در دو کشور امریکا و استرالیا محدودیت‌های مورد نظر مجلس اعیان انگلستان رعایت نمی‌شود.

۳- پذیرش مفهوم «خسارات تنبیهی» در حقوق داخلی پاره‌ای از دولتهای پیرو نظام کامن‌لا این مفهوم را واجد خصیصه «اصل کلی حقوق بین‌الملل»، نکرده است.

۴- در رویه قضایی بین‌المللی اصولاً مجوزی برای صدور خسارت‌های تنبیهی وجود ندارد.

۵- بند (ج) ماده ۴۵ طرح سابق مسؤولیت دولت مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل که تصور می‌شد مجوز لازم را برای صدور خسارت‌های تنبیهی به دست داده، شامل خسارت‌های تنبیهی نمی‌شود و بدین جهت در طرح جدید پیشنهادی مخبر ویژه حذف شده است.

۶- حذف این نوع از خسارات، از مصادیق «جلب رضایت»، از سویی به معنای حذف امکان صدور خسارت‌های غیرمادی از قبیل خسارت‌های اخلاقی و معنوی نیست و از سوی دیگر تفکیک بین آثار دوگانه مسؤولیت مدنی دولتها در حقوق بین‌الملل دستاویز دیگری برای صدور این نوع خسارات بوجود نیاورده است.

۷- اگرچه در حقوق بین‌الملل پذیرش امکان صدور خسارت‌های تنبیهی در موارد «نقض‌های شدید» تعهدات آمره بین‌المللی، وسیله مفیدی را در اختیار محاکم بین‌المللی برای برقراری عدالت می‌گذارد ولی این مسأله، از بحث صلاحیت محاکم داخلی برای صدور احکام تنبیهی آن هم در قالب مسؤولیت مدنی دولتهای خارجی، خروج موضوعی دارد زیرا حتی

در صورت پذیرش چنین مفهومی نیز (مسئولیت کیفری دولت) صلاحیت صدور احکام تنبیهی نه به دادگاههای داخلی، بلکه به دیوانهای بین‌المللی اختصاص خواهد داشت. از این رو عمل محاکم ایالات متحده در صدور احکام تنبیهی علیه دولتهای خارجی از جمله دولت جمهوری اسلامی فاقد مجوز و توجیه لازم در حقوق بین‌الملل عمومی است. خصوصاً آن که مواضع ایالات متحده در سطح بین‌المللی گویای عدم اعتقاد آن دولت به مشروعیت صدور این گونه خسارات در رویه قضایی بین‌المللی است. به عنوان یکی از تازه‌ترین این مواضع، می‌توان به اظهارات نماینده امریکا در کمیته شش (کمیته حقوقی) مجمع عمومی اشاره کرد که طی آن نماینده آن دولت در واکنش به تفسیری که صدور خسارات تنبیهی را به موجب ماده ۴۴ طرح مسئولیت کمیسیون، مجاز می‌دانست، اظهار کرد:

«دولت ایالات متحده بر این باور است که چنین تفسیری مغایر با رویه دیرپای عرفی حقوق بین‌الملل است که خسارات تنبیهی را از عداد خسارتهای بالقوه مستثنی می‌کند».^{۱۱۹}

۸- اجازه صدور خسارتهای تنبیهی در «قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران...» به معنی پذیرش مشروعیت صدور این خسارات از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد، چرا که مقنن ایرانی صرفاً «به طور متقابل» اجازه صدور چنین خساراتی را به قضات ایرانی داده است.

119. G.A, 6th Committee, 18th Session, 27 Oct. 2000.